**جلسه اول(۱۱/۷/۱۳۹۴)**

**اشکال اول بر قاعده ترتب: [[1]](#footnote-1)**(این اشکال را صاحب کفایه بر قاعده ترتب وارد کرده است)

**مقدم:** اگر قائده ترتب مورد قبول واقع شود.

**تالی :** باید قائل به تعدد عقاب شویم.

**ولکن التالی باطل:** قائل شدن به تعدد عقاب باطل است .

**و المقدم مثله:** مورد قبول بودن قاعده ترتب باطل است.

**بیان ملازمه بین مقدم و تالی:**باید بررسی کرد که چرا اگر قاعده ترتب مورد قبول باشد باید تعدد عقاب پذیرفته شود.

**توضیح ملازمه:**(چرا در صورت پزیرش قاعده ترتب باید تعدُّد عقاب را در صورت ترک بپزیریم؟)

**اولاً:** فرض این است که در ترتب هم برای اهم و هم برای مهم امر فعلی است ( هم صلاه و هم ازاله امر دارند و خطاب هر دو نیز فعلی است ) و لازمه فعلی بودن این است که هر دو تکلیف مقدور مکلف باشند یعنی مکلف در آن واحد بتواند هر دو را انجام دهد. و الا اگر مقدور نبودند هر دو فعلیت نداشت.

**ثانیاً:** اوامر الهی دائر مدار مصلحت می­باشند و لذا اکنون که هم صلاه هم ازاله امرشان فعلی شده است مشخص می­شود که هر دو در نظر شارع دارای مصلحت می­باشند وترک آنها موجب عقاب است.

**ثالثاً:** حال که هر دو امر فعلی است و لازمه فعلیت قدرت بر تکلیف است لذا مناط و ملاک حسن بودن یا قبیح بودن تکلیف قدرت و عدم قدرت مکلف است ( به عبارت دیگر ملاک و مناط تعدد عقاب یا ثواب تعدد قدرت است [[2]](#footnote-2)). یعنی حال که مکلف قدرت بر انجام هر دو فعل را دارد اگر هر دو را انجام دهد دو ثواب دارد و اگر هر دو را ترک کند دو عقاب خواهد داشت

با توجه به این سه مطلب اگر کسی قاعده ترتب را بپزیرد و اهم و مهم را ترک کند باید قائل به تعدد عقاب شود. چرا که در ترتب هر دو امر فعلی است و هر دو مصلحت دارند و فعلیت هر دو امر ملازمه با قدرت بر انجام هر دو را دارد لذا اگر آن دو را ترک کند دو عقاب خواهد داشت.

**نکته:** از آنجا که قائلین به ترتب هر دو امر را دارای مصلحت می­دانند و آنها را در عرض هم می­دانند نه مشروط ( در طول هم) و در اوامر عرضی قدرت بر هر دو وجود دارد لذا مصنف از این مفروضات استفاده کرده و این اشکال را بر ایشان وارد می­کند.

**و لکن التالی باطل.**( یعنی تعدد عقاب باطل است)

**دلیل بطلان تالی:** هنگامی تعدد عقاب( در صورت ترک دو عمل) صحیح است که ما در خارج قدرت بر انجام هر دو تکلیف را داشته باشیم( به عبارت دیگر تعدد عقاب در صورت ترک منوط بر قدرت انجام هر دو طرف در خارج است) و با این حال هر دو را ترک کنیم . اما این نکته واضح است که قدرت مربوط به مقام امتثال عمل در خارج است و ما در مقام امتثال قدرت بر انجام بیش از یک عمل در آن واحد را نداریم و هنگامی که قدرت واحد شد طبق مطلب سوم چون ملاک و مناط حُسن تکلیف قدرت بر انجام آن است لذا و ما هم در مقام امتثال بیش از یک قدرت نداریم لذا یا ازاله واجب است یا صلاه و در این صورت اگر هر دو ترک شوند چون در واقع یکی واجب بوده عقاب برای همان یک عمل است . در نتیجه تعدد عقابی در میان نخواهد بود .

تالی که باطل شد مقدم نیز باطل خواهد بود ( ترتب و قول به ترتب باطل خواهد بود)

**جواب:** قائلین به قاعده ترتب برای این اشکال سه جواب بیان کرده اند دو جواب نقضی و یک جواب حلی این جوابها را مرحوم نائینی و شاگردان ایشان مطرح کرده اند.

هر دو جواب نقضی به مطلب بیان شده در ثالثااست که در اثبات ملازمه ذکر شد( در ثالثا بیان شد که ملاک تعدد عقاب تعدد قدرت در مقام امتثال است) لکن ما بیان می­کنیم که ملاک تعدُّد عقاب تعدُّد قدرت نیست و برای اثبات این مطلب مواردی را به عنوان نقض بیان می­کنیم که در این موارد با اینکه در مقام امتثال تعدد قدرت نیست اما در صورت ترک تعدد عقاب وجود دارد.

**۱.جواب نقضی اول:** در بسیاری از موارد اگر هر دو عمل ترک شود تعدد عقاب وجود دارد مانند واجب کفایی که استحقاق عقاب متعدد است با اینکه برای تک تک مکلفین در مقام امتثال قدرت بر انجام آن فعل نیست در عین حال اگر آن فعل را هیچ یک از مکلفین انجام ندهند همگی مستحق عقاب می­شوند(در این موارد با اینکه همه مکلف ها قدرت بر انجام فعل را ندارند اگر آن عمل ترک شود همگی مستحق عقاب هستند. مثلاً همه مکلفین قدرت دفن میت واحد را ندارند با این حال اگر همگی دفن میت را ترک کنند عقاب برای همگی آنها محقق می­شود) در ما نحن فیه با اینکه اهم ومهم هر دو فعلی هستند و مکلف در آن واحد قدرت بر انجام هر دو را ندارد و لکن اگر آن دو را ترک کند برای ترک هر دو عمل مستحق دو عقاب می­شود. ( منشأ تعدد عقاب به خاطر این است که ترک هر یک از دو تکلیف از اختیار آنها نشأت گرفته است

لذا اگر در واجبات کفایی عقاب متعدد است به خاطر تعدد قدرت در مقام امتثال نیست بلکه به خاطر اختیار هر یک از مکلف ها در ترک آن عمل است و هر ترکی که از اختیار بر خواسته باشد موجب عقاب است**( پس منشأ تعدد عقاب ترک اختیاری است نه وجود تعدد قدرت بر انجام فعل در خارج)**

**۲.جواب نقضی دوم :** مانندتعّقُب ایادی بر مقصوب واحده : اگر چند نفر بر یک مال قصبی دست بگزارند و آن را سرقت کنند در این صورت عقاب به تعداد افراد سرقت کننده متعدد است و برای هر سارق یک عقاب است با اینکه یک تخلف بیشتر حادث نشده است و عمل هر یک از سارق ها مانند جزء العله است لذا در مقام امتثال گویا یک قدرت و یک عمل بیشتر نیست اما با این حال اگر آن یک عمل از جانب چند نفر محقق شود به تعداد افراد عقاب وجود دارد. در این مورد نیز با اینکه تعدد قدرت نیست اما در صورت ارتکاب تعدد عقای وجود دارد.

**جواب حلی:**

**خلاصه جواب:** منشأ تعدد عقاب تعدد قدرت نیست تا اشکال شما وارد باشد بلکه منشأ تعدد عقاب ترک عن الاختیار است.

**توضیح:**

**۱.گاهی استحقاق تعدد عقاب در جمع بین دو فعل است نه در ترک:** یعنی اگر مکلف هر دوفعل را انجام دهد به تعداد افعال انجام شده مستحق عقاب می­شود به عنوان مثال امر لا تغصب و لا تصل فی دار المغصوب گردن ما را گرفته است حال اگر شخصی در آن واحد مکانی را غصب و در آن نماز بخواند با جمع کردن این دو فعل ممنوع در یک عمل مستحق دو عقاب خواهد بود لذا تعدد عقاب بر فعل واحد و قدرت واحد در این موارد اشکالی ندارد.

**۲.و گاهی استحقاق تعدد عقاب در ترک دو فعل است:** به این معنی که اگر هر دو فعل را جمع کند عقابی در کار نخواهد بود و تعدد عقاب غیر معقول است به عنوان مثال اگر مکلف در ماه رمضان از سحر تا افطار به عناوین مختلف روزه خود را باطل کند با اینکه فعل های متعدد را جمع کرده یک عقاب بیشتر ندارد و آن عقاب شکستن روزه است

و لکن اگر هر دو فعل خواسته شده را ترک کند مستحق چند عقاب خواهد بود به عنوان مثال اگرمکلف جمع بین اهم ومهم صورت دهد استحقاق عقاب ندارد چراکه خاصیت جمع این است که تعدد بردار نیست و استحقاق عقاب نمی­آورد که چرا هر دو را انجام داده ای ( مانند باطل کردن روزه با چند عنوان مختلف) اما اگر هر دو فعل را ترک کند استحقاق دو عقاب خواهد داشت چرا که منشأ هر ترکی اختیار است چه ترک اهم چه ترک مهم و چون هر از روی اختیار مکلف صادر شده است و لذا پای دو اختیار به میان آمد دو عقاب در کار خواهد بود.

لذا در باب ترک اهم و مهم استحقاق دو عقاب به خاطرترک دو عمل به دلیل قاعده ترتب نیست چه ترتبی باشد چه نباشید بلکه به خاطر اختیار های متعددی است که مکلف در ترک عمل داشته است چرا که هر ترکی از منشأ یک اختیار بر خواسته است و لذا دو عقاب دارد.( لذا اولا باب ترتب تعدد عقاب مشروط به تعدد قدرت در مقام امتثال نیست ثانیا علت تعدد عقاب قاعده ترتب نیست بلکه منشأ آن ترکی است که از روی اختیار صورت گرفته است .لذا در مواردی که هر دو طرف مطلوب شارع است هر چند الان با هم تزاحم دارند لکن این تزاحم در مقام امتثال سبب نمی­شود که بگوییم در صورت ترک نیز یک عقاب بیشتر نیست چرا که ترک هر طرف با اختیار صورت گرفته است و ملاک تعدد عقاب هم همین اختیار است نه قدرت)

**نکته:** این اختلاف بین صاحب کفایه و میرزای نائینی از این جهت است که صاحب کفایه بین مقام امتثال و ترک ملازمه می­بیند لکن میرزای نائینی چنین ملازمه ای را قبول ندارد.

1. ۱.بین علماء اصول اختلاف است که ملاک تعدد عقاب ترک عن الاختیار است یا اعم از ترک عن الاختیار و ترک فعل مقدور در مقام امتثال ؟ [↑](#footnote-ref-1)
2. [↑](#footnote-ref-2)